



دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۵
پنجشنبه ۱ آذر ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

رفیق علی شناسانی از پیشکسوتان جنبش کارگری ایران بدست دژخیمان ج.ا. زجرکش شد

پس از بیست و یکماه اسارت و تحمل شکنجه های هولناک، سر- انجام رفیق علی شناسانی، سرپاز وفادار حزب توده ایران و مبارز خستگی ناپذیر راه رهایی کارگران و زخمکشان ایران در زندان اوین بشهادت رسید.
رفیقی که در سحرگاه هفدهم بهمن ماه ۱۳۶۱ همزمان با یورش ناچوانمردانه ارگان های سرکوبگر رژیم ج.ا. به حزب توده ایران در خانه اش یازدهم شد مانند رفقای شهید حسین پور تیسری و علسوی ناگهان سر از آگهی های مجالس ترحیم روزنامه- ها در آورد!
بقیه در صفحه ۶

"دمکراسی اسلامی" دیکتاتوری ضد خلقی است

اکنون که کوس رسوایی سران ج.ا. به صد- د آمده، دوباره تزه اصطلاح "دمکراسی اسلامی" را مطرح ساخته اند. باید خاطر نشان ساخت که این تزه تازگی ندارد. آقای خمینی، در یکی از سخنرانی های نوبتی اظهار داشت:
"احکام مترقی جمهوری اسلامی بر سایر مکتب ها تقدم دارد. ما می بینیم که مدعیان دمکراسی صحبت می کنند، ولی می فهمیم که در شوق و در غربت با دیکتاتوری عظیم مواجه هستیم. ما معتقدیم که دمکراسی اسلامی صحیح است و به شرق و غرب ثابت می کنیم که جمهوری اسلامی صحیح است."
روزنامه "اطلاعات" این اظهار نظر آقای خمینی را در شماره ۱۱ فروردین ماه سال ۶۰ منتشر ساخت. از آن ایام بیش از سه سال و نیم می گذرد. اگر در آن روزها مردم ایران معنی و مفهوم "دمکراسی" اسلامی آقایان را هنوز آن طوری که باید و شاید درک نکرده بودند، امروز پس از گذشت زمان و با دیدن فجایعی که رژیم به نام "اسلام" در کشور ما انجام داده و جنایاتی بقیه در صفحه ۲

وقت تنک است، خطر مرگ زندانیان توده ای را تهدید میکند

این صحنه سازی، تحت فشار روحی قرار دادن زندانیان سیاسی و در عین حال خانواده های آنان است، تا در صورت امکان با سوء استفاده از عواطف انسانی موجود بین زندانیان و خانواده آنها، قربانیان رژیم را برای حضور در دادگاه نمایشی و اعتراف به گناهان ناکرده آماده سازند.
افشاء بموقع توطئه ضد بشری سران ج.ا. اگر چه موقتا مانع صحنه سازی جدید بنام محاکمه رهبری حزب گردید، ولی با توجه به احکام صادر شده باید هشدار داد که جان توده ای های در بند در معرض خطر جدی است. بدو تن در دیدار ارگان های سرکوبگر با توسل به انواع ابزارهای شکنجه و نیز مواد مخدر روانگردانی خواهند کوشید تا قربانیان خود را برای محاکمه فرمایشی "آه-ساده" سازند. یکی از علل تحویق این نمایش نوبتی نیز عدم "آمدگی کامل" قربانیان برای حضور در شورای جدید است.

سران ج.ا. محاکمه فرمایشی عده ای از اعضای رهبری و کادرهای حزبی را به عللی که اعلام نشده به تحویق انداختند. چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران با استناد به اخبار موثق رسیده از درون زندان ها اشاره شده است، هدف از این باصطلاح محاکمه، صحنه سازی برای دامن زدن به تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی به قصد ارضای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است، زیرا محاکمات توده ای های در بند، پشت درهای بسته، از مدت ها پیش آغاز شده و احکام جابرانه، اعدام و زندان های دراز مدت نیز یکی پس از دیگری برای آنها صادر شده و می- شود. همچنین باید خاطر نشان ساخت که محاکمه اعضای رهبری نیز، که مسئولین قضایی آغاز قسرب الوقوع آن را اعلام کرده اند، از مدت ها پیش در زندان اوین شروع شده و با صدور احکام اعدام عده زیادی از آنان پایان پذیرفته است.

ما اقدام وحشیانه ارگان های قضایی ج.ا. را شدیداً محکوم می کنیم و از همه احزاب، سازمان ها بقیه در صفحه ۳

در اعلامیه کمیته مرکزی پس از افشای این توطئه ضد انسانی سران ج.ا. بد رستی خاطر نشان می شود که هدف ارگان های سرکوب و شکنجه از

ای جان آفتابی عشق...

آری شبی است شسته به تاریکی و به خون در خاطر ملی شمعی چراغداری خود را در راه سرخ صبحدم آغاز می کند.
اینجا سرای بسته خاموشی است اما در من پرنده های است که آزادی ترا یکریزد در ترانه اش آواز می کند.

دستها از نیکاراگوئه کوتاه!

نشان داد و ثابت کرد که می تواند در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد و روند دگرگونی های انقلابی اقتصادی و اجتماعی را تعمیق بخشد.
اما آزاد اندیشی و گام برداشتن در راستای توسعه مستقل توسط مردم نیکاراگوئه پیوسته مایه خشم دیوانه وار تر از سوی امپریالیسم آمریکایی شده است. طی مدت پنج سال و نیمی که حکومت خلقی در نیکاراگوئه برقرار شده است، دولت آمریکا برای درهم شکستن اراده مستحکم مردمان استقلال طلب و عدالت جوی این کشور کوچک از هیچ وسیله ای روگردان نبوده است. در واقع آمریکا دیگر تمام اهرم های سیاست خارجی تجاوزی خود را مورد بقیه در صفحه ۸

جمهوری انقلابی و مستقل نیکاراگوئه را از نو خطر مداخله مستقیم نظامی تهدید می کند. و این جدی ترین خطری است که از هنگام پیروزی بر رژیم مغرور دیکتاتوری وابسته به آمریکا و آغاز روند انقلابی واقعا دمکراتیک و عدالت خواهانه با آن رو بر سر گردیده است. در انتخابات عمومی دمکراتیک که روز چهارم ماه نوامبر ۱۹۸۴ در نیکاراگوئه انجام شد، مردم پشتیبانی قاطع خود را از جنبه ساندینیستی ابراز نمودند. عقیده مشترک چهارصد ناظر بین المللی که در موقع انتخابات به نیکاراگوئه فرستاده بودند اینست که انتخابات در محیطی کاملاً آرام، با رعایت دقیق قانون برگزار شده است. خلق نیکاراگوئه در این انتخابات رشد سیاسی خود را

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

سیاوش کسراسی
۱۶ شهریور ۱۳۶۳

“دمکراسی اسلامی دیکتاتوری ضد خلقی است”

بقیه از صفحه ۱

که مرتکب شده، چهره واقعی هواداران “دمکراسی اسلامی” برای همگان آنچنان که باید روشن شده است.

انواع ارگان‌های سرکوبگر و تفتیشی، افزایشی بی‌حد تعداد زندان‌ها که ده‌ها هزار دختر و پسر، زن و مرد، پیر و جوان در آن‌ها تحت شکنجه‌های قرون وسطایی و مدرن در مرز مرگ و زندگی بسر می‌برند، اعدام‌های دسته‌جمعی به‌بشترین فرزندان میهن، ادامه تشکیل دادگاه‌های در بسته و جور و ظلم بی‌حد و حصری که در جامعه ما حکمفرماست، از مظاهر “دمکراسی اسلامی” مورد نظر آقای خمینی است.

دمکراسی به مفهوم اعم، یعنی دولت، آقای خمینی و یارانش می‌کوشند “دولت اسلامی” و “مالا” “دمکراسی اسلامی” را “یک مقوله ماوراء طبقاتی عرضه دارند. در قانون اساسی ج ۱۰ گفته می‌شود:

“حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تیلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد...”

بدینسان سران ج ۱۰ دانسته و یا ندانسته نظرات خرده بورژوازی کوتاه بینانه رایج در سده‌های گذشته را مبنی بر این که گویا دولت دستگاه آشتی طبقاتی است، طوطی وار تکرار می‌کنند. مدعیان “دمکراسی اسلامی” با استفاده از این اندیشه واهی می‌خواهند این حقیقت را از افکار عمومی پنهان دارند، که دولت دستگاه فرمانروایی طبقه معینی است که با قطب مقابل خود (طبقه مخالف) نمی‌تواند آشتی پذیر باشد.

پوشش اسلامی نمی‌تواند این حقیقت را پنهان دارد، که ما در راه رشد سرمایه‌داری وابسته پیش می‌رویم. “دمکراسی” در این گونه جوامع در بهترین حالت همان دیکتاتوری نوع‌گری است، که آقای خمینی یاد می‌کند. در این جوامع دولت به مثابه اهرم سرکوبی پرولتاریا و میلیون‌ها انسان زحمتکش، یعنی اکثریت مطلق توده‌های محروم و حافظ دفاع از منافع صاحبان سیم و زر است. آیا در جمهوری اسلامی، دولت اسلامی و “دمکراسی اسلامی” هدفی جز این تعقیب می‌کند؟ “دمکراسی اسلامی” مورد نظر آقای خمینی فاجعه‌آمیزترین شکل دیکتاتوری قرون وسطایی است که با توسل به وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب زحمتکشان وظیفه دفاع از کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان را به عهده دارد. و اما آنجا که آقای خمینی از دیکتاتوری شرق سخن می‌گوید، آگاهانه و یا نا-آگاهانه نظرات مبلغین ارگان‌های انحصارهای امپریالیستی را تکرار می‌کند.

وقتی ما می‌گوییم دولت نیروی خاص سرکوب است، به هیچ وجه در صدد آن نیستیم که دولت کارگران و دهقانان را از این خصلت میری بدانیم هدف از دیکتاتوری پرولتاریا که شکل جدید

دمکراسی پس از انقلاب سوسیالیستی است و مبتنی بر تصاحب وسایل تولید به نام جامعه است. استقرار دمکراسی برای اکثریت مطلق استثمار-شوندگان، یعنی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا است. در این جا دیکتاتوری متوجه آن اقلیت استثمارگری می‌شود که می‌خواهد با توسل به توطئه، سلطه و سیادت خود را احیا کند.

زحمتکشان فقط هنگامی می‌توانند دمکراسی را به چنگ آورند که خود را به مقام طبقه فرمانروا برسانند. سرکوب استثمارگران از جانب استثمار-شوندگان عالی‌ترین تظاهر دمکراسی به معنای واقعی آن است.

در جهان امروز دو نوع دولت و دو شکل دمکراسی وجود دارد: دمکراسی برای اقلیت استثمارکننده، دمکراسی برای اکثریت استثمارشونده. “دمکراسی اسلامی” مورد ادعای آقای خمینی پوششی است برای پنهان داشتن دیکتاتوری سرمایه‌داری. رویدادهای سال‌های اخیر این حقیقت را آنچنان که هست در معرض قضاوت عم قرار داده است.

این چگونه “دمکراسی اسلامی” است که انسان‌ها را به برده و آلت بی‌اراده و فاقد ابتکار تبدیل می‌کند. این چگونه دمکراسی است که اندیشیدن آزاد را از میلیون‌ها انسان سلب کرده و آزاد اندیشان را روانه فراموشخانه‌ها می‌کند و با زدن انواع برجسب‌های بی‌شرمانه به جوخه‌های اعدام می‌سپارند.

این چگونه “دمکراسی اسلامی” است که همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از افراد جامعه سلب می‌نماید، زن را نصف مرد به حساب می‌آورد، شخصیت زن، حقوق مادی و معنوی او را لگد مال می‌کند.

این چگونه “دمکراسی اسلامی” است که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد جامعه در چارچوب آن فاقد مصونیت قانونی است و انسان‌ها را به صرف داشتن عقیده تعقیب می‌کنند، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی ملی و دمکراتیک را غیرقانونی اعلام کرده و آزادی نشریات و مطبوعات را بی‌محابا ملغی می‌سازد.

گذشت زمان چهره واقعی آنانی را که زمانی شعار دمکراسی بر اساس الغای استثمار فرد از فرد را می‌دادند چنان افشاء کرده که اینک مردم میهن ما به حق فرقی میان جمهوری اسلامی با رژیم ترور و اختناق شاه نمی‌گذارند. کوچک‌ترین تردیدی نیست که در صورت ادامه این وضع “دمکراسی اسلامی” نیز به همان سرنویشت دمکراسی شاهنشاهی “دچار خواهد شد.

خبرنگار نامه مردم در میان مردم

ضد کارگری

هیئت‌های حل اختلاف بین کارگران و کارفرمایان در وزارت کار منحل شده‌اند. دستور جدید این است که کارگران معترض، به عنوان “تحریکات چی” بلافاصله از طرف مدیریت کارخانه اخراج می‌شوند و کارگران اخراجی دستشان بسته جانی بند نیست.

“ضد اطلاعاتی”‌ها بازگشتند

در تبریز و مراغه تعداد دیگری از افسران ضد اطلاعاتی و ساواکی‌ها به کار فراخوانده شدند. آنها با همان سمت‌های قبلی به خدمت مشغولند. بازگشت ضد اطلاعاتی‌ها و ساواکی‌ها در تهران و سایر شهرستان‌ها از مدتها پیش آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. برخی از این اشخاص قبلاً زندانی بوده‌اند یا این که از ترس مردم به شهرهای دیگر گریخته بودند.

سلول‌های کن

سلولهای بازداشتگاه کن، مربوط به سپاه پاسداران، بقدری کوچک است که زندانی می‌تواند فقط در آن بایستد یا به سختی چمپانه بزند. زندانی را پس از دستگیری با چشم‌های بسته در حیاط و محوطه می‌گردانند و باخم و راست کردن زندانی وانمود می‌کنند که دارند او را از اهروها دهل‌بازها و زیرزمین‌های هراس‌انگیز عبوری دهند. به این وسیله می‌خواهند روحیه زندانی را تضعیف کنند.

شورای جدید سرپرستی زندانها

اخیراً يك شورا سرپرستی ۵ نفره برای اداره زندان‌های کشور تشکیل شده است. یکی از اعضای این شورا شخصی است بنام “بابازاده” که در سال‌های اول انقلاب دادستان انقلاب کرج بود. این شخص در مدظلی گفت که شورا لاجوردی را از سر پرستی زندان‌ها کناره‌گذاری کرده است اما مقاومت می‌کند و حاضر نیست اوین را ترک کند. لاجوردی گفته است اگر مرا از سرپرستی اوین بردارند باید در همین زندان يك سلول به من بدهند، چون در خارج از این محوطه تاهین جانی ندارم.

“عدالت اسلامی”

بنیاد مسکن از دادن زمین به يك خانواده هفت نفری که سرپرست آنها توده‌ای است و در زندان به سر می‌برد، خود داری کرد. این خانواده مستحق گرفتن زمین را داشته و نوبت آنها فرا رسیده بود. سرپرست بنیاد مسکن در پاسد همسر این زندانی صراحتاً گفت: ما از طریق شورای محل تحقیق کردیم، معلوم شد که شوهر شما توده‌ای است. بنابراین زمین به شما تعلق نمی‌گیرد.

خانها باز میگردند و کشاورزان روانه زندانها میشوند

فشار فزاینده اقتصادی و اجتماعی زندگی را بر زحمتکشان ستندیده، روستاهای کشور بیش از پیش تنگ کرده است. فتودالهای تحت حمایت ج ۱۰ روستاها را به عرصه یکتازی و فعال مایشایی تبدیل کرده و با پشتیبانی همهجانبه رژیم تلاش می کنند تا ضمن تثبیت وضع موجود - مانده امتیازات و مواضعی را که دهقانان در پرتو امواج توفنده انقلاب از چنگ غاصب آنها بدر آورده بودند، تصاحب کنند.

دوز دوزانی نماینده مجلس، نقش حاکمیت و نهاد های اجرایی آن را در توضیح حقوق دهقانان، سرکوب و حبس آنها و خوش خدمتی به زمینخواران بر ملا می سازد: "از مدت ها قبل بر گشتن خانها و فتودالها و برگرداندن زمینها با حکم برخی از مراجع مصادرکننده قبلی به آنان و ارعاب و تهدید و ضرب و جرح و حبس کشاورزان و هتک حرمت آن عزیزان در منظر حتی خانواده ها ایشان و نیز بی اعتنایی برخی از مسئولان و یا حتی حمایتشان از ظلمه گزارش می شود." (اجلا - عات ۲۵ مهر ۶۳) چندی قبل نماینده منتظری در هیئت های هفت نفره در باره سیاست سرپا ارتجاعی رژیم در زمینه مسایل دهقانی سخن گفت و از جمله به این واقعیت اعتراف کرد که در حال حاضر برخی از روستائیان بحالت فعالیت روی همین اراضی (که طبق بخشنامه های شورای عالی قضایی در اختیار آنان قرار داده شده است) در زندان بسر می برند " (کیهان ۲۴ تیر ۶۳).

سردمداران ج ۱۰ پایای تحدید عرصه برای زحمتکشان روستایی، میدان غارت و ستم فتودالها را وسعت می بخشند. گستاخی خانها به حدی است که سران رژیم نیز بدان معترفند. نخست وزیر می گوید: "در خوزستان یک میلیون هکتار زمین داریم که قابل آباد شدن و واگذار شدن است. منتهی هرکجا پیش را می خواهیم دست بگذاریم یکی از آن شیوخ وابسته به دربار سابق ظاهر می شود و مد رکی نشان می دهد که این زمین مال ما است و غیره" (کیهان ۲۶ شهریور ۶۳). آقای موسوی تنها به بیان یک واقعیت که پی آمد ناگوار آن دامنگیر محرومترین اقشار روستایی است بسنده می کند و از توضیح عوامل موجود وضعی که در آن شیوخ وابسته به دربار سابق به خود جرات می دهند که این چنین گستاخانه از منافع غاصبان خود دفاع کنند، طفره می رود. نخست وزیر روشن نمی کند که چرا و چگونه بزرگ مالکانی که بقول نماینده مجلس "اول انقلاب حاضر بودند یک چیزی هم با دست خود بدهند و فرار کنند حالا دوباره برگشته و این گونه بلای جان دهقانان شده اند و هرچه پیش می روم چنگال خونین خود را بیشتر در گلو می محرومین ستندیده فرومی کنند.

پرهیز نخست وزیر از توضیح علل موجود غارت و گستاخی خانها و شیوخ وابسته به دربار سابق و رژیم فعلی قابل درک است. چنانکه ایشان در این باره سخن گویند الزام پای حاکمیت از جمله پای قوه اجرائیه بیان خواهد آمد که امروزه به اهرم مؤثر اعمال فشار فتودالها به دهقانان بدل شده است. همین شوری نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود که مالکیت غاصبان، فتودالها به زمینهای زراعی را مشروعیت بخشید و یوغ اسارت دهقانان را جاهه قانونی پوشاند و همین ارگانهای اجرایی ج ۱۰ بوده و هست که نقش جاده صاف کن خانها را بازی کرده و زنجیر ستم را بردست و پای کشاورزان محروم بسته و می بندد.

برای اینکه مستند سخن گفته باشیم به نقل قولی از موحدی ساوجی نماینده مجلس می پردازیم. وی به گوشه ای از نقش رژیم در ایجاد زمینه چپاول بزرگ مالکان و فقر و محرومیت کشاورزان که نخست وزیر آگاهانه از پرداختن به آن پرهیز کرد - اشاره می کند و آن دستی را که چتر حمایت قانونی برای زالوهای زمینخوار دست می کند عریان می سازد: "من واقعا خیلی تعجب کردم و خیلی تأسف خوردم که وزارت کشاورزی لایحه ای به مجلس آورد در ارتباط با ابطال اسناد اراضی موات، این آمد به مجلس و رفت به کمیسیون قضایی که آن کمیسیون هم بدون دقت این را رد کرد. اگر چنانچه در رابطه با کشاورزی نمی توانیم یک طرح همه جانبه، مفصل و مشروح در رابطه با اراضی موات و دایر و بایر بد هیمو مسائل در مشکلات دارد، شورای نگهبان نظر دارد و تا بخواهیم دیدگاههای شورای نگهبان و مجلس را هماهنگ کنیم و یک طرح یک دستی در این جهت ارائه بدیم، خوب لااقل این اقدام را که می توانستیم برداریم. و متأسفانه با سرگرفتن این لایحه، هنوز که هنوز است در بسیاری از جاها، افراد همین زمینهای موات را در اختیار دارند یا الکی یک شخصی می زنند. فقط به همین اندازه ای که بگویم من متصرف هستم." (اطلاعات ۲۴ مهر ۶۳).

بر اثر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است که به گفته صانعی "افراد یک ۴ میلیون تومان درآمد خالص از یک باغ دارند ۵۰۰ و محضی ها که صدها هزار هکتار زمین دارند ۵۰۰۰۰ باز طبق مقررات می خواهند هزاران هکتار زمین را از دست کشاورزان بگیرند" (اطلاعات ۱ مهر ۶۳). کشاورزان زحمتکش و روستائیان تهدیدست، در جریان عمل و در متن زندگی اجتماعی به ماهیت پلید خونین و سیمای واقعی رژیم جامی آنها می برده و روز بروز بیشتری می برند. قریب و اغفال سران ج ۱۰، قادر به بستن چشمان تیزبین آنها

وقت تنگ است، خطر مرگ زندانیان توده ای را تهدید میکند

بقیه از صفحه ۱

و شخصیت های مترقی و آزاد یخواه و انسان دوست در ایران و سراسر جهان می طلبیم تا کلیه امکانات خود را برای نجات جان توده های هلی در بند بکار گیرند. وقت تنگ است. جان غده زیادی از بهترین فرزندان کشور ما که یگانه گناه نابخشودنی آنها مبارزه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است، در معرض خطر مرگ قرار دارد. فقط با یک مبارزه گسترده و فراگیر می توان از جنایت جدیدی که رژیم در صدد انجام آنست جلوگیری کرد. باید توجه داشت که سران ج ۱۰ علیرغم قساوت و سنگدلی نمی توانند افکار عمومی ایران و جهان را نادیده بگیرند و ناگزیر در برابر موج عظیم اعتراضات، عقب نشینی خواهند کرد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در هر کجا که هستند، در داخل و خارج کشور، باید افکار عمومی را برای نجات جان توده های هلی بیگناه تجهیز کنند. باید با برپایی تظاهرات، ارسال نامه های اعتراضی، جمع آوری امضا و غیره تا دیر نشده از وقوع یک جنایت هولناک دیگر جلوگیری کرد.

ما اطمینان داریم که همه نیروهای ملی و مترقی ایران، در این لحظات حساس، در راه مبارزه برای نجات جان میهن پرستان ایرانی و هزاران توده ای در بند با ما در یک صف متحد قرار خواهند گرفت.

نبوده و نخواهد بود. اعتراف زعماد دست اندر کاران رژیم به رجوع محترضه دهقانان از سراسر کشور به دستگامهای حکومتی از جمله مجلس شورای اسلامی مؤید این واقعیت است. نماینده دهلران می گوید: "حالا دوباره می بینی از خارک جمعیت آمده پشت در مجلس، از اینجا می آید، از آنجا می آید، مسئله چیست؟ یک مقدار زمین را قبلا گرفته اند داده اند به ما، حالا این حکم را به سلیقه خود شپس می گیرند و می دهد به ارباب" (اطلاعات ۱۸ مهر ۶۳). چندی پیش رفسنجانی نیز به اعتراض گسترده دهقانان به سیاست رژیم، به اشکال مختلف از جمله رجوع به مجلس اعتراف کرد.

دهقانان مبارز میهن ما که از ابتدای ترین حقوق اجتماعی محرومند و از ستم درینیه فتودالی به فغان آمده اند، هرگز به سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی رژیم تن در نخواهند داد. آنها مانند گذشته به منظور احقاق حقوق حقسه خود پیکار می کنند. سرکوب و زندان رژیم قادر به فرونشاندن شعله این پیکار عا دلانسه اجتماعی نخواهد شد.

هم میهنان عزیز! با بکارگیری و بسیج همه امکانات خود به یاری دهها هزار خانواده زندانیان سیاسی بشتابیم!

نامه رسیده

گزارشی از بازجویی و شکنجه در اوین

آنچه می‌خوانید براساس پاره‌ای مشاهدات و نقل قول‌ها از کسانی است که از زندان اوین آزاد شده‌اند. در این نامه سعی کرده‌ام مراحل مختلف دستگیری، بازجویی و انواع شکنجه‌ها را توضیح بدهم. البته اطلاعات من کامل نیست، ولی در هر حال مشت نمونه خروار است.

خانه‌گردی

خانه‌گردی معمولاً از ساعت ۹/۵ شب شروع می‌شود و تا صبح ادامه دارد. گروه‌های مختلف که در سطح شهر به پی‌گرد افراد و خانه‌گردی می‌پردازند، مرتباً با بی‌سیم با مراکز خود در ارتباطند و با دادن گزارش‌های لازم از آنها رهنمود می‌گیرند. دستگیری‌ها معمولاً توسط افراد کمیته‌ها انجام می‌شود و گاهی پاسداران دادستانی اوین مستقیماً وارد عمل می‌شوند. افراد دستگیر شده یا مستقیماً به اوین برده می‌شوند و یا ابتدا به زندان کمیته‌ها و "کمیته مشترک" (زندان سپاه) و سپس به اوین منتقل می‌شوند.

دستگیری اشخاص "مشکوک"

دستگیری‌ها معمولاً در نوع است. نوع اول شامل کسانی است که دادستانی در باره آنها اطلاعات لازم را بدست آورده و مستقیماً خانه آنها را مورد حمله قرار می‌دهد. نوع دوم دستگیری اشخاص "مشکوک" یا بخش وسیعی از زندانیان را تشکیل می‌دهد که در خیابانها توسط گشته‌های کمیته و یا "ثارالله" بطور اتفاقی دستگیر شده‌اند. پاسداران به افرادی که مشکوک می‌شوند بلوف می‌زنند و با گذاشتن کلت در پشت آنها می‌گویند: زود باش نارنجک و اسلحه و هرچه داری بده. فرد مشکوک یکم می‌خورد و احتمالاً خود را می‌بازد. پاسداران در همان حال بطور متوالی سؤال می‌کنند: از کجا می‌آیی؟ به کجا می‌روی؟ چه کار می‌کنی؟ محل کارت کجاست؟ آدرس و تلفن محل کارت را بده! کارت شناسایی تو کجاست؟ خانه ات کجا است؟ اگر فرد مشکوک هول بشود و شک پاسداران در اثر رفتار و گفتار او کمی بیشتر شود بلافاصله او را به خانه‌اش می‌برند. خانه را می‌گردند و کافی است چیزی پیدا کنند که نشان بدهد شخص مورد نظر ممکن است "سیاسی" باشد، او را به اوین می‌برند و بلافاصله زیر شکنجه می‌کشند. در فاصله خانه تا اوین معمولاً از این نوع سؤالات می‌شود: جز "کدام تشکیلاتی؟ رده تشکیلاتی - ات را بگو! با چه کسانی تماس داری؟ مسئولیت کیست؟ و... اگر افراد دستگیر شده اتومبیل داشته باشند، از همان اتومبیل برای انتقال او استفاده می‌کنند. پس دادن اتومبیل به خانواده زندانی منوط به نوع اتهامی است که به زندانی زده می‌شود. گاهی اتومبیل را پس می‌دهند و

گاهی آن را ضبط و احتمالاً اوراق می‌کنند.

بازجویی با چشم‌های بسته

معمولاً بازجویی از لحظه اول دستگیری آغاز می‌شود و از همان ابتدا برای شکستن روحیه افراد همه شکردها و تهدیدها به کار می‌رود. بازجویی با چشم بسته انجام می‌شود. بعضی‌ها را از همان خانه با چشم‌بند منتقل می‌کنند و بعضی دیگر را در اتومبیل یاد رزند. یکی‌های زندان چشم‌بند می‌زنند. بهر حال بازجویی اغلب با چشم‌های بسته انجام می‌شود.

انواع شکنجه

کابل زدن از رایج‌ترین شیوه‌های شکنجه در زندان اوین است. اگر کوچکترین مقاومتی از زندانی دیده شود، همان شب او را به تخت می‌بندند. معمولاً دستها و پاها را به تخت می‌بندند و یک پتو بر سر زندانی می‌کشند (در این هنگام شکنجه‌گران بدون نقاب هستند). بدین ترتیب زدن شلاق و کابل شروع می‌شود. کابل زدن آنقدر ادامه پیدا می‌کند که زندانی حاضر به "اعتراف" بشود. معمولاً پس از زدن تعداد زیادی کابل، هنگامی که زندانی در آستانه بییهوشی قرار می‌گیرد، به او چند دقیقه استراحت می‌دهند، سپس کار خود را از سر می‌گیرند. هنگام زدن کابل پوست ترک برمی‌دارد. گاهی بر اثر ضربه‌های شدید کابل کلیه‌ها از کار می‌افتد که اصطلاحاً می‌گویند "دیالیز کرده". بعد از دیالیز معمولاً دیگر امید چندانی به زنده ماندن زندانی نیست. معمولاً شکنجه‌گران ناشی از این "دسته گل" ها به آب می‌دهند. به خانواده زندانیانی که در اثر "دیالیز" شهید میشوند می‌گویند که زندانی شما در اثر درد کلیه درگذشته است.

زدن کابل گاهی تا چند شب ادامه دارد. معمولاً حوالی آخر شب سرولکه پاسدارها پیدا می‌شود، که با سرو صدای زیاد برای ایجاد رعب و وحشت به سراغ زندانی رفته و او را به سوی شکنجه‌گاه می‌برند. گاهی طوری وانمود می‌کنند که دارند زندانی را برای اعدام می‌برند. این یک بلوف است. یکی دیگر از شیوه‌های شکنجه - و شاید بدترین آنها - این است که زندانی را به زیر زمین می‌برند و دو سه روزی او را در گوشه‌ای می‌نشانند تا شاهد شکنجه و داد و فریاد دیگر رفقای خود باشد. در حین کابل زدن معمولاً شکنجه‌گران شعار می‌دهند و اسامی افراد مختلف را بر زبان می‌آورند تا از زندانی حرف بکشند. هر یک از آنها برای شکستن مقاومت زندانی معمولاً می‌گویند: سران شما را خودم همین جا شکنجه کردم و نمی‌دانم چه التماسی می‌کنند. یا این که فلانی را خودم با دستهای خودم اعدام کردم، تو که دیگر چیزی نیستی. معمولاً هنگام شکنجه

از این جملات زیاد گفته می‌شود. گاهی اوقات انکار مطلق زندانی (اگر سرخ مهبی در اختیار شکنجه‌گران نباشد) و یا دادن اطلاعات نصح چندان مهم و لو رفته می‌تواند روزه نجات موقتی زندانی بشود.

در زندان اوین شکنجه‌های دیگری هم به وفور در مورد زندانیان اعمال می‌شود. آویزان کردن، زدن، دستبند قهانی، بستن چشم زندانی در زمانهای طولانی، تزریق آمپولهای مخدر و روانگردانی، ممانعت از خواب زندانی و انواع و اقسام شکنجه‌های دیگر شکنجه‌گران بر سر پیدا کردن راه‌های جدید شکنجه با یکدیگر رقابت دارند. آویزان کردن زندانی به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد. گاهی اوقات زندانی را طوری می‌آویزند که نوک پای او به زمین برسد. در وهله اول احساس می‌شود که تحمل این شکنجه چندان مشکل نیست. اما پس از گذشت مدتی تساب مقاومت از دست می‌رود، چون تمام فشار روی انگشتان پاها متمرکز است. در عین حال نمی‌شود خوابید و نه تاب بیداری هست. زندانیانی که آویزان می‌شوند هر چند ساعت یکبار بر ای خوردن غذا یا رفتن به توالت برای چند دقیقه بازمی‌شوند. زندانیان را معمولاً در محلی آویزان می‌کنند که ناله و فریاد اشخاص زیر شکنجه را بشنوند و به این ترتیب روحیه آنها بیشتر تضعیف بشود. آویزان کردن از یک دست یا از دو پا گاهی در عین حال تعزیز کردن آنها نیز در زندان اوین مرسوم است. آویزان کردن پایک دست ممکن است ۵ یا ۶ روز طول بکشد. همراه با این شکنجه‌ها در زمان بازجویی، دادن فحش‌های رکیک، کتک زدن با چوب و خط‌کش و گرفتن سر زندانی زیر باران مشت و لگد جز کارهای عادی است.

اتاق "مسجد"

زندانیانی که زیر شکنجه به پای مرگ می‌رسند ابتدا به بیمارستان منتقل می‌شوند و پس از معالجه مختصر و بازگشت در اتاقی بنام "مسجد" تحت نظر قرار می‌گیرند. "مسجد" مختص زندانیانی است که از فرط شکنجه برای مدت‌های مدید قادر به راه رفتن نیستند و گاهی ماهها جدا از بقیه در آنجا می‌مانند. آنها که "مسجد" هستند حق ملاقات ندارند. به خانواده‌هایشان جواب سرسری می‌دهند و می‌گویند زیر بازجویی است.

بازجوها

بازجوها اغلب از سطح پایین سواد و فرهنگ برخوردارند. تنها معدودی از آنها به عنوان "مغز متفکر" بر اوین حکومت می‌کنند. زندانیان بقیه در صفحه ۷

رفیق علی شناسانی از پیشکسوتان جنبش کارگری ایران بدست درخیمان ج.ا. زجرکش شد

به دبیرکل سازمان ملل متحد

عالی جناب،

چنان که اطلاع دارید ارگان های قضایی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند که در صددند محاکمه اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران را آغاز کنند.

قریب دو سال است که بالغ بر ده هزار نفر از پدران، مادران، خواهران، برادران، همسران و فرزندان ما که از اعضا و هواداران حزب توده ایران هستند به اتهامات واهی و بی اساس دستگیر شده و زیر سخت ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند. محاکمه بسیاری از آنان از مدت ها پیش با زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین موازین حقوقی و قضایی و نیز منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد، پشت درهای بسته، بطور غیر علنی انجام شده است. تاکنون گروهی اعدام شده و عده های نیز زیر شکنجه کشته شده اند. برای صدها نفر دیگر نیز زندان های دائمی و دراز مدت در نظر گرفته شده است. سرانجام ۱۰۰۰ حتی از تحویل جنازه های زندانیان توده های که زیر شکنجه به قتل رسیده و یا تیرباران شده اند به خانواده هایشان خودداری می کنند. عزیزان ما در زندان های جمهوری اسلامی در اثر شکنجه های وحشیانه و محیط غیر بهداشتی زندان به انواع بیماری های واگیر و روحی دچار شده اند و مسئولین دولتی از مداوی آن هاسریاز می زنند.

در شرایطی که خطر مرگ جان گروه دیگری از عزیزان ما را تهدید می کند بنام هزاران خانواده داغ دیده و نگران دست استعدادهای بسوی شهادت می کنیم. تقاضا داریم که با استفاده از مسئولیت خویش به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد صدای ما را به گوش همه مردم جهان برسانید و برای نجات جان توده های ایران در بند اقدام عاجل بفرمائید. این کمترین تقاضای هزاران خانواده های سرپرست از شخص جنابعالی و همه انسانهای نوع دوست است. چشم امید ما به اقدامات سریع شماست.

خانواده زندانیان سیاسی

توده های

۲۰ نوامبر ۱۹۸۴

شهادت حسن حسین پور تبریزی و چند تن دیگر از فعالین کارگری توسط پلیس کامیل شمعون رئیس جمهور وقت لبنان در بیروت دستگیر و تحویل کودتاچیان شد. او و همراهانش در بازداشتگاه های فرمانداری نظامی تهران علیرغم شکنجه های وحشیانه به طبقه کارگر و حزب وفادار ماندند. رفیق شناسانی دوران پنجساله محکومیت خود را با پایداری سپری کرد و پس از آزادی مجدداً به فعالیت های مخفی سندیکایی پرداخت. در سال ۱۳۵۷ که امکان فعالیت علنی برای حزب مجدداً فراهم شد، رفیق شناسانی تمام توان و وقت خود را در اختیار حزب گذاشت. این رفیق کهنسال برای خدمت به کارگران و حزب پر افتخارشان همیشه آماده بود. در کنار کارهای حزبی و سندیکایی او کودکان رنج دیده میهنمان را نیز فراموش نمی کرد. او ساعات کوتاه استراحت خود را صرف ترجمه کتاب برای کودکان و نوجوانان می کرد. رفیق شناسانی، علی امید کارگر نامدار خوزستانی را که بر اثر شکنجه های ساواک توان حرکت را از دست داده بود بخانه خود برد و تا پایان عمرش برادرانه از او مراقبت کرد. او بارها بخاطر احساس مسئولیت و تلاش و از خودگذشتگی در راه انجام وظایف مورد تقدیر حزب قسرار گرفت.

اگر چه اکنون کارگران دغائیات و جنبش کارگری میهن ما یک پیشکسوت مورد احترام را از دست داده اند، در مبارزه روزافزونی که اینک در کارخانه ها و کارگاه های میهن ما جریان دارد، فعالین جوان کارگری در فشی را که علی امید ها، حسین پورها و شناسانی ها برافراشتند بدوش خواهند کشید و ننگ و نفرت را نصیب خائنان به آرمان های انقلاب و دشمنان کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران خواهند کرد.

بقیه از صفحه ۱
بیش از یکسال بستگان رفیق شناسانی در پی خبری کامل از محل بازداشت او بودند. در این مدت، پاسداران جهل و ارتجاع از هیچ تلاش حیوانی برای درهم کوبیدن روحیه عالی انقلابی او در رخ نورزندند. گرچه جنایتکاران موفق شدند جسم فرتوت او را در زیر تازیانه های خود سیاه کنند ولی هرگز نتوانستند در ایمان خلل ناپذیرش به طبقه کارگر و پیشاهنگ او حزب توده ایران خدشهای وارد سازند.

اینک آشکار می شود که در تاریخ دهم آبان ماه ۱۳۶۳ قلب تنیده رفیق گرامی ما علی شناسانی بر اثر افراط در شکنجه های "شرعی" از زندن باز ایستاده است.

رفیق علی شناسانی در دهم آبان ماه ۱۳۲۰ همراه با گروهی از کارگران کارخانه دغائیات با اعضاء کردن آنکت حزبی به صفوف حزب توده ایران پیوست. در مراسمی که در دهم آبان ماه ۱۳۶۰ به مناسبت چهلین سال عضویت او در حزب و بمنظور تجلیل از مبارزات خستگی ناپذیرش در دفاع از منافع کارگران برپا شده بود رفیقی پرسید: "چرا یکماه از بنیاننداری حزب به آن پیوستید؟" رفیق شناسانی با حالتی برافروخته و جدی پاسخ داد: "نه، من از همان دهم مهر ۱۳۲۰ عضو حزب بودم یکماه تاخیر در برکردن آنکت حزبی بخاطر فعالیت شبانه روزی در سازماندهی کارگران بود. وقتی من به حزب آمدم تا آنکت پرکنم ده هاتن از فعالین سندیکایی را نیز با خود همراه داشتم که هر یک نماینده صدها کارگر بودند. من دیر به حزب نیامدم. من حزب را به میان کارگران بردم و با کارگران به حزب آمدم."

رفیق علی شناسانی که در آستانه ۲۸ مرداد در خارج از کشور بود، به هنگام بازگشت همراه رفیق

سرکوب ضد انقلاب در افغانستان

هنگام با تحکیم و استواری هرچه بیشترشالوده های انقلاب و سرکوب ضد انقلاب در همه عرصه ها، شمار فریب خوردگانی که در پرتو عفو عمومی دولت جمهوری د مکرانیک افغانستان به آغوش میهن باز می گردند، افزایش می یابد.

در ایالت هرات همه اعضای باند ضد انقلابی بسرکردگی دادخان که چندی پیش به گروه گلبدین حکمت یار پیوسته بود، اسلحه های خود را بر زمین گذاردند و خود را تسلیم مقامات کردند. هفتاد تن عضو این گروه آمادگی خود را برای دفاع از دستاورد های انقلاب اعلام داشتند.

برخاسته از همین موج رشد یابنده بازگشت فریب خوردگان است که از جانب رژیم های ایران

انقلاب د مکرانیک افغانستان بیماری توده های مردم در جبهه های جنگ اعلام نشده از سوی امپریالیسم و ارتجاع با کامیابی از خویش دفاع می کند. مطبوعات افغانستان اخبار تازه های در این باره منتشر ساخته اند. روزنامه "عصر جدید" (چاپ کابل) از جمله می نویسد که در ایالت فاری باب، گروه بزرگی از ضد انقلابیون سرکوب شده اند و ۶۷ تن از آنها نیز به اسارت درآمدند. در جریان این عملیات، مقدار زیادی جنگ افزار های سنگین، مسلسل، نارنجک انداز، مین های ضد تانک ساخت کشورهای غربی بدست مدافعان انقلاب افغانستان افتاد. در ایالت پاکتیا هم پاند "محمد حسن" منتسب به گروه ضد انقلابی گلبدین حکمت یار که مفر آن در پاکستان قرار دارد، تارو مار شد.

پاکستان تلاشهایی برای متوقف کردن این روند و روشن نگهداشتن آتش جنگ اعلام نشده علیه خلق و حکومت انقلابی افغانستان صورت می گیرد. به گزارش خبرگزاری "باختر" در یکی از اردوگاه های آوارگان افغانی که در نزدیکی پیشاور پاکستان واقع است، شورش رخ می دهد. آوارگان از دولت پاکستان که آنها را به زور در اردوگاه ها نگهداری می کند، خواستار بازگشت به میهن خود شده اند. آنها تظاهراتی در دفاع از جمهوری د مکرانیک افغانستان برپا ساختند. نیروهای نظامی پاکستان بید رنگ دست به عمل زدند، اردوگاه را محاصره و تظاهرات را به زور اسلحه سرکوب کردند.

مرگ بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

حقوق مدنی زنان از دید سرمداران ج.ا.

هشت ماه پس از انقلاب بزرگ بهمن ۵۷، شورای انقلاب تصمیم به انحلال دادگاه‌های "حمایت خانواده" در دوران ستمشاهی گرفت و به جای آن دادگاه‌های "مدنی خاص" را ایجاد کرد. رژیم منحوس رضا پهلوی در برابر فشار روزافزون و گسترده زنان نسبت به قانون مدنی رضاخانی که بار سنگینی از سنت‌های فئودالی مردسالاری را به همراه داشت تصمیم به تشکیل دادگاه‌های حمایت خانواده گرفت که این دادگاه‌ها در اساس همان قوانین و احکام قرون وسطایی دوران رضاخانی را با رنگ و لعابی دیگر در جامعه بسط اجرا درمی‌آوردند و در نتیجه، خیل عظیم زنان زحمتکش میهنمان بازهم از کمترین حقوق انسانی برخوردار نبودند و به عنوان موجودات درجه دوم و در شمار دیوانگان قلمداد می‌شدند.

انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، استقرار عدالت اجتماعی و احقاق حقوق پایمال شده زنان جامعه‌مان را نیت می‌داد. در همین راستا حاکمیت برآمده از انقلاب پس از انحلال دادگاه‌های "حمایت خانواده" اقدام به ایجاد دادگاه‌های "مدنی خاص" نمود که انتظار می‌رفت این عمل سرآغازی برای محو تبعیضات دوران متمادی، گذشته نسبت به زنان باشد حال آن که زنان هشیوار آگاه و وطن‌مان امروز شاهد به اجرا درآیدن قوانین و احکام ارتجاعی گذشته‌اند که در پوشش شرعی هم‌چنان بر آنان تحمیل می‌گردد. برای نمونه ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ستمشاهی، هم‌چون گذشته در دادگاه‌های "مدنی خاص" ج.ا. حکم می‌راند این قانون "به مرد حق می‌دهد هر لحظه اراده کند زن خویش را طلاق دهد و بهانه طلاق مهم نیست". زنان بی‌بیدار وطن‌مان در طول تاریخ در بافته‌اند که این ماده قانونی، همواره تیشه‌ای بود که بر ریشه خانواده زده می‌شده و زنانی را که زمانی در مقام مادر و همسر از امنیت برخوردار بوده‌اند با دست تپه به خیابان انداخته و به سرنوشتی نامعلوم محکوم کرده است. امروز در دادگاه‌های "مدنی خاص" همین قانون ارتجاعی با شکل و لباس شرعی یعنی حضور و شاهد ناشناس و جاری ساختن صیغه طلاق، حکم درماندگی و بی‌پناهی زنان را می‌دهد.

دادگاه‌های "حمایت خانواده" رژیم منفور گذشته علی‌رغم نارسایی‌های فراوان، مسئله طلاق را به دادگاه مراجعه می‌داد و برای زنان حق طلاق می‌شناخت؛ حال آن که امروزه در ج.ا. حق طلاق از زنان بازپس گرفته شده و فقط مردان چنین حقی را دارا هستند، مردان می‌توانند بدون اطلاع همسرشان، او را طلاق دهند و مراتب را به وسیله پیغام یا نامه به آگاهی او برسانند، گفتار رئیس دادگاه‌های، مدنی خاص در مصاحبه با

کیهان تأییدی بر این مطلب است:

وی در مه‌ماه سال جاری گفت: "فقه‌های شورای نگهبان نظر داده‌اند اگر یک فرد بدون اجازه زنش ازدواج مجدد کرد قابل تعقیب نیست. دادگاه نیز حق صدور حکم و اجرای آن را ندارد و دادگاه نمی‌تواند عاقد را تحت تعقیب قرار دهد."

حجت الاسلام مهدوی کرمانی در ادامه صحبت‌هایش در مورد مدنی که تن به چنین ازدواج‌هایی بدون اطلاع همسرشان داده‌اند، می‌گوید:

"ازدواج وقتی انجام شد باطل محسوب نمی‌شود و اگر مردی بدون رضایت زن اولش، زنی گرفته است ایرادی ندارد فقط باید جریمه بپردازد؛ البته فقهای شورای نگهبان فرموده‌اند که این جریمه را هم نپردازد."

رئیس دادگاه‌های "مدنی خاص" در مورد این که آیا هنوز ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده در دوران رژیم گذشته (این ماده قانونی ازدواج مجدد مرد را منوط به اجازه همسر اول و رأی دادگاه می‌داند) به قوت خود باقی است و قانونیت دارد؟ می‌گوید:

"کسانی که می‌خواهند ازدواج مجدد بکنند طبق شرایطی می‌توانند ازدواج کنند یکی این که بین زن و شوهر اختلاف باشد، زن نازا و عقیم باشد یا بعد از یک بچه، دیگر بچه‌ار نشسته باشد، زن از مرد تمکین نکند، مرد نیاز به ازدواج مجدد داشته و زن به مرد توجهی نداشته باشد در این صورت دادگاه تشخیص می‌دهد و حکم به ازدواج مجدد مرد می‌دهد."

واقعاً شرم‌آور است! قوانین مدنی حاکم بر جامعه امروزین ما، آن حقوق بسیار محدود مستتر در قانون مدنی ستمشاهی را نیز که زن را در ردیف جنس دوم قرار می‌داد زیر پا گذارده‌اند. اگر زن نازا و عقیم باشد یا هم‌چون موجود بی‌اراده‌ای، به هرآنچه مرد گفت تمکین نکند، یا اگر مرد نیاز به ازدواج مجدد داشته باشد و زن به او توجه نکند؛ دلایلی است که امروز تعیین‌کننده سرنوشت میلیون‌ها مادر و همسر زحمتکشی است که در زیر بار این قوانین قرون وسطایی کمر خشم می‌کنند.

در مورد حضانت اطفال پس از طلاق، حجت-الاسلام مهدوی کرمانی می‌گوید:

"پسر تا ۲ سالگی و دختر تا ۷ سالگی به مادر می‌رسد و حق نگهداری بچه‌ها از این سنین به بالا با پدر است."

یعنی علاوه بر ازمه‌های کانون خانواده، فرزندان نیز برای همه عمر از مادر گرفته می‌شوند. در مورد آمار فعلی طلاق آقای کرمانی می‌گوید:

"آمار طلاق افزایش پیدا نکرده است و میزان

طلاق بسیار کم و ناچیز است."

در حالی که همین چندی پیش بود که کمیسیون‌های دادگاه‌های "مدنی خاص" از شورای عالی قضایی در رابطه با افزایش دادخواست‌های طلاق استمدا د طلبیدند.

رئیس دادگاه‌های مدنی خاص در رابطه با علل طلاق‌ها در جامعه به مسئله اعتیاد اشاره می‌کند و به خانواده‌ها توصیه می‌کند که هنگام ازدواج دخترشان، درباره داماد آینسده، تحقیقات کافی را به عمل آورند تا مطمئن شوند که داماد آیندشان معتاد نیست. بدین ترتیب ایشان و هم‌پالکی‌هایشان کوشیده‌اند تمام کاسه و کوزه‌ها را بر سر اعتیاد بشکنند حال آن که بلیه اجتماعی طلاق در کشور ما تا زمانی که سیاست‌های حاکم بر جامعه در جهت تحقق آرمان‌های میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا نباشد، تا زمانی که عدالت اجتماعی در جامعه استقرار نیابد و فقر ریشه‌کن نگردد و تا زمانی که زنان به عنوان نیمی از نیروهای فعال جامعه از حقوق انسانی و قانونی‌شان بهره‌مند نگردند؛ هم‌چنان باقی خواهد بود.

امروز بیش از هر زمان دیگر، روشن گردیده است که قوانین مدنی حاکم بر جامعه که توسط دادگاه‌های مدنی خاص به اجرا درمی‌آیند چیزی جز به اجرا درآوردن احکام ارتجاعی دوران ستم-شاهی در شکل شرعی آن و تحمیل قیودات قرون وسطایی بر زنان زحمتکش میهن‌مان نبوده است.

در خصوص تنظیم قانون مدنی به سود زنان زحمتکش میهن‌مان، حزب توده ایران همواره از دیرباز نظریات صریح و مشخص خود را ابراز داشته است. در برنامه‌های پیشنهادی حزب توده ایران در همین رابطه آمده است:

— لغو "قانون مدنی خاص" رضاخانی و فراهم ساختن شرکت زنان در امور خانواده.

— بنیاد خانواده بر اساس عشق و احترام متقابل باشد نه بر اساس سلطه این بر آن.

— حق طلاق برای طرفین شناخته شود و دادگاه هنگامی رأی به طلاق دهد که ادامه زندگی به هیچ روی ممکن نباشد.

— حق سرپرستی فرزندان به طور مساوی به پدر و مادر واگذار شود.

— تک همسری مبنای واحد خانواده باشد و تعدد زوجات ممنوع اعلام شود.

— حق آزادی انتخاب همسر برای دختران جوان رعایت شود.

— حق انتخاب شغل برای زنان رعایت شود.

— اعدام زنان به جرم فساد و فحشا ممنوع اعلام شود، زیرا باید با علت مبارزه شود.

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی یک وظیفه انقلابی است!

پیامهای شادباش بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران

شادباش

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

بنام حزب کمونیست ویتنام و مردم ویتنام چهارم و سومین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران را به شما صمیمانه شاد باش می گوئیم.

حزب توده ایران در چهارم و سه سالی که از زندگی آن می گذرد، پیکاری سخت، ولی شکوهمند را علیه امپریالیسم و دیکتاتوری شاهنشاهی رهنبری کرده و در پیروزی مشترک مردم ایران در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ سهم بسزایی داشته است.

هنگامیکه امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی همه کوشش خود را برای نابود کردن انقلاب ایران بکار می برند، حزب توده ایران - دوش بدوش دیگر نیروهای میهن دوست - در راه پاسداری از استقلال و آزادی کشورتان می رزمند. ما پشتیبانی خود را از مبارزه حزب شما برای آزادی رفقای در بندتان ابراز می داریم.

اطمینان داریم، که به رغم دشواری ها و آزمون های فراوان، فعالیت انقلابی شما سرانجام پیروز خواهد شد.

باشد که همبستگی میان دو حزب و خلق ما هر چه بیشتر تحکیم و گسترش پذیرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست

ونزوئلا

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا چهارم و سومین سالگرد پایه گذاری حزب قهرمانان را به شما صمیمانه شاد باش می گوید.

پیکار خستگی ناپذیر حزب توده ایران در رچهل و سه سال گذشته بحق تحسین کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی جهان را برانگیخته است.

اکنون، که حزب توده ایران دوران دشواری را می گذراند و هزاران تن توده های سرکوب و شکنجه می شوند، همبستگی خود را با شما ابراز می داریم. زنده باد حزب توده ایران!

پایدار باد همبستگی بین المللی! از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا اد وارد و کاله خوان سرا (دبیر روابط بین المللی)

سیاس

حزبی و رفقای که با پیام های محبت آمیز خود تولد حزب توده ایران را کرامی داشته اند سیاسی-گذاری می کنیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت چهارم و سومین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، پیام های تبریک و شادباش پرشماری از احزاب کمونیستی و کارگری و سازمان ها و رفقای حزبی خواه از داخل یا خارج از کشور دریافت کرده ایم.

بدینوسیله از همه احزاب برادر، سازمان های

گزارشی از بازجویی و ...

بتیه از صفحه ۴

این بازجویا را با اسم مستعار می شناسند. به عنوان مثال "حامد" یکی از شکنجه گران و از چهره های شناخته شده و فاشیست اوین است که در عین حال در شب گردی ها و خانه گردی های شبانه نیز حضور دارد. اسامی مستعار و نفر د یگراز بازجویا "عبدالله" و "میثم" است. دادستانی اوین برخلاف آنچه که وانمود می شود، دارای سازمان اطلاعاتی چندان قوی نیست. باید گفت که بازجویان اغلب اطلاعات خود را از اشخاص تحت شکنجه به دست می آورند و هشیاری زندانیان هنگام بازجویی به نحو مؤثری می توانند بازجویا را گیج کنند.

توابین

د زندان اوین از توابین برای آزار شکنجه زندانیان بهره برداری می شود. مثلا قبل از اعدام

افسران توده های و اعضای سازمان نظامی حزب، زمانی که آنها را به "حسینیه" اوین آوردند تا در حضور زندانیان صحبت کنند، "توابین" سوخته نهایی در دست داشتند و آنها را به بدن زندانیان شاهد سخنرانی فرو می کردند. آنها می خواستند زندانی ها را وادار کنند که عکس العمل نشان بدهند. و اگر کسی کوچکترین صحبتی می کرد او را به باد کتک می گرفتند. "توابین" - این قربانیان فشار و شکنجه - اغلب به آلت دست رژیم تبدیل شده اند و در موارد مختلف موجب اذیت و آزار زندانیان می شوند، در عین حال به خبرچینی می پردازند.

در باره وضعیت بد بهداشت و درمان، خورد خوراک، بیماریهای رایج در زندان، گنجاندن سی و چهل نفر در یک اتاق دوازده متری، کم بودن وقت هراخوری و استحمام و دیگر مسائل نیازی به توضیح نیست. همه می دانند که در زندانهای ج ۱۰ بخصوص زندان اوین چه می گذرد.

به سرکوب خلق کرد باید پایان داده شود!

اخبار همبستگی از اسپانیا

در جشن روزنامه "آوانت" ارگان حزب کمونیست کاتالونیا (اسپانیا) "نامه مردم" نیز شرکت داشت. رفیق "تاخایا" سردبیر روزنامه "آوانت" در سخنرانی پایان جشن، حمایت بیدریغ زحمتمکشان اسپانیا را از حزب توده ایران اعلام و خواهان آزادی توده های های در بند و دیگر زندانیان سیاسی شد.

XXXXXXXXXX

سازمان حزب کمونیست مایورکا (شبه جزیره باله آرز) ضمن ارسال تلگرامی به سفارت ج ۱۰ خواستار آزادی زندانیان توده های و دیگر زندانیان سیاسی و پایان دادن به ترور علیه حزب توده ایران گردید.

XXXXXXXXXX

جشن روزنامه "رابای" در بارسلن برگزار گردید. در این جشن غرفه "نامه مردم" مورد بازدید هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. آنها با اعضای بیانیه ای که خواهان آزادی زندانیان توده های و همه زندانیان سیاسی بود، حمایت خود را از مبارزه حزب ما و زحمتمکشان ایران اعلام داشتند.

رفیق گریگوری لویز راموند و رهبر حزب سوسیالیست متحد کاتالونیا، ضمن ابراز حمایت قاطع از حزب توده ایران شدید ترور و اختناق در ج ۱۰ را بشدت محکوم کرد.

XXXXXXXXXX

سازمان ها و احزاب مترقی اسپانیا خواهان آزادی توده های های در بند هستند.

سازمان های حزب کمونیست در مورسیا، آراگون بیلیائو، باله آرز و لریدا در نامه های که به سفارت ج ۱۰ در مادرید فرستادند، خواستار آزادی نوری زندانیان سیاسی و توده های های در بندند.

کمک مالی

به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

کمک به "نامه مردم"

"جودت" ۲۹۳ پوند

"سهل" ۲۵ پوند

گروه سیامک ۵۰۰۰ مارک

خانم "ن" ۴۰ پوند

نویید یک حلقه طلا

کک هواداران در هلند ۲۲۵ فلورن

مدل ریگان یعنی بیکاری، فقرگرستی، بیسوادی و...

"آیا فرانسه به ۵۱ - مین ایالت ایالات متحده آمریکا تبدیل نشده است؟" این پرسشی است که ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه طی مقاله‌ای که در روزنامه "اومانیت" انتشار یافته، مطرح می‌کند. ژرژ مارش از هیاهوی پر دامنه رسانه‌های گروهی بورژوازی پیرامون نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و یازده سرایی درباره "مدل ریگان" بشدت انتقاد می‌کند.

نتایج کارست عملی این "مدل" که رسانه‌های امپریالیستی با جار و جنجال درباره آن گوش جهانیان را کر کرده‌اند چیست؟

دبیر کل حزب کمونیست فرانسه می‌نویسد: "نتایج این "مدل"، ده میلیون نفر آمریکایی بیکار (طبق محاسبه اتحادیه‌های کارگری ۳۰ میلیون نفر) است. این "مدل" عبارت است از ۳۰ میلیون فقیر ریزه خوار بنگاه‌های خبریه، ده میلیون بی‌سره پناه که در خیابان‌ها شب را به صبح می‌رانند ۲۳ میلیون بی‌سواد، ۴ میلیون کودک که از سوء تغذیه رنج می‌برند، ده میلیون کودک که ریزه خوار سازمان‌های خبریه‌اند، یک میلیون کودک دکانی که نان نزنند برای یک لقمه نان کارکنند و عده‌ای از آنها هفت سال بیشتر ندارند.

"مدل ریگان" عبارتست از: "کاهش مالیات که در آخرین تحلیل از یکسواستن ۴ درصد از درآمد کم درآمدها و از سوی دیگر افزودن ۱۰ درصد بر درآمد صاحبان ثروت است. به گفته "جسی جکسون" ریگان یعنی روبن هود برعکس؛ او تهیدستان را غارت می‌کند و آنچه را بدست می‌آورد به ثروتمندان می‌دهد."

"مدل ریگان" یعنی نبودن نظام ملی بیمه‌های اجتماعی، یعنی پرداخت حق معالجه‌مدر بیمارستان‌ها یعنی سروری "پادشاهان طلا". این "مدل" عبارتست از: کسری عظیم بودجه، حدود ۱۷۲ میلیارد دلار.

"مدل ریگان" عبارتست از نژاد پرستی عریان، بویژه در ارتباط با رنگین پوستان و بازگشت به خشن‌ترین تدابیر جدائی نژادی.

"مدل ریگان" عبارتست از صحنه‌سازی‌های سیاسی و صرف ۳۰۰ میلیون دلار برای اصطلاح کارزار انتخاباتی، که نتیجه آن به اراد میلیون‌ها دلار آمریکایی بستگی داشت. ده‌ها میلیون نفر از زنده‌نشان در این انتخابات شرکت نداشتند.

"مدل ریگان" یعنی نظام معنوی توتالیتر و ماوراء ارتجاعی، یعنی بازگشت به بدترین دوران جنگ سرد، تشدید مسابقه تسلیحاتی و افزایش بی حد و حصر هزینه‌های نظامی. یعنی سیاست تنش و رویاوی، دخالت مستقیم و تجاوز، یعنی حمایت از خوانخوارترین دیکتاتوری‌ها که هر ساعت حقوق بشر را لگد مال می‌کنند.

"مدل ریگان" عبارتست از کوشش در راه

دستها از نیکاراگوئه کوتاه!

بقیه از صفحه ۱

استفاده قرار داده است: آموزش نیروهای ضدانقلابی و تجهیز فنی و مالی آنها، نقض تحریک آمیز مرزهای دریایی و هوایی کشور، مین گذاری آب‌های ساحلی تهدید به ترور علیه رهبران انقلاب نیکاراگوئه و غیره. تقریباً تمام روش‌های پرووکاسیون و همه گونه تلاش برای ایجاد بی ثباتی در کشور نیکاراگوئه شده و اینک که همه آنها بدون نتیجه بوده تنها بیره در برابر امپریالیسم آمریکا باقی مانده است: مداخله مستقیم نظامی که در زمان‌های اخیر جزء خصوصیات سیاست واشینگتن بشمار می‌رود.

گسترش شتابان رویدادها در آمریکای مرکزی طی دو هفته گذشته ثابت می‌کند که ایالات متحده آمریکا در آستانه دست زدن به یک ماجراجویی تازه است. آیا این ارتباط با پایان انتخابات ریاست



نیکاراگوئه
عوماس : سلاحت را دور بیاورد،
تو تمام قاره را تهدید می‌کنی!

جمهوری در آمریکا دارد و یا مربوط به پیروزی تردید ناپذیر جبهه ساندینیستی و شکست کوشش‌های بسیاری بر هم زدن انتخابات در آن کشور می‌باشد. با قاطعیت چیزی نمیتوان گفت. در هر حال افزایش

غارت کشورهای "جهان سوم" و در عین حال فشار به کشورهای غربی از طریق افزایش بهره‌های بانکی و جنگ اقتصادی.

ژرژ مارش می‌نویسد: "چنین است ماهیت واقعی "مدل ریگان". چرا ملخین این مدل این حقایق را از فرانسوی‌ها پنهان می‌کنند و هدف آنها چیست؟ آنهایی که کارزار نظام جهانی از طریق دیکتاتوری دلار و پرشینگ را برآه‌اند - خته‌اند علیه فرانسه نیز دست به عمل خواهند زد. آنها تلاش می‌ورزند تا فرانسه در همه عرصه‌ها تغییر ماهیت بدهد و فرمانبر خواستهای دیکته‌شده از آنسوی آتلانتیک باشد. و بدینسان شخصیت ملی خود را از بین ببرد. آنها سعی می‌کنند از انتخاب آینده فرانسه توسط مردم این کشور جلوگیری کنند."

بخاومت در اوضاع آمریکای مرکزی و چکاک جنگ افزارهای آمریکا در مرزهای نیکاراگوئه مایه نگرانی فراوان تمام کشورهای جهان شده است. تیپ ۸۲ هوایر که وظیفه ننگین تجاوز به گرنادا را به عهده داشت و یکی از حلقه‌های ضربتی نیروهای مداخله سریع است به حال آماده باش جنگی در آمده است. در عین حال نیروهای مسلح آمریکا در هند وراس و گواتمالا، به همراه ارتش‌های این دو رژیم دست نشانده و خونخوار دست به مانورهای نظامی بزرگ در نزدیکی سواحل نیکاراگوئه زده‌اند. سه پایگاه نظامی در جنوب آمریکا هم بحال آماده باش در آورده شده‌اند.

تجاوز نظامی آمریکا به نیکاراگوئه، حتی اگر توسط دولت‌های دست‌نشانده آمریکا مرکزی نظیر هند وراس و گواتمالا تحقق پذیرد می‌تواند عواقب بسیار وخیمی در پی داشته باشد. واکنش طوفانی جامعه صلح‌دوست جهانی در مقابل تحریکات بیشرمانه امپریالیسم آمریکا علیه آزادی و استقلال خلقها کاملاً طبیعی و قانونی است.

کوشش‌های مضحک امپریالیسم آمریکا برای خطرناک جلوه دادن موجودیت نیکاراگوئه برای امنیت قاره آمریکا و ابداع دروغ دریافت "میک" های مدرن اتحاد شوروی توسط نیکاراگوئه حتی کم‌ارزش تر از بهانه‌هایست که در مورد بخطر افتادن جان دانشجویان آمریکایی در گرنادا و ساختمان فرودگاه کشوری در این جزیره ابداع کردند. و کسانی دم از نگرانی برای امنیت همسایگان نیکاراگوئه می‌زنند که کوچکترین اعتنایی به امنیت و استقلال کشورهای همسایه و غیر همسایه ندارند.

جامعه بین‌المللی اجازه نخواهد داد سیاست سرریسم دولتی که ابزار اصلی سیاست خارجی امپریالیسم شده و توسط متحدان "استراتژیکش" در آفریقای جنوبی و خاور نزدیک نیز علیه سیاه پوستان و اعراب بکار برده می‌شود همچنان ادامه پیدا کند. امپریالیسم که بن بست تاریخی را در برابر می‌بیند می‌خواهد به‌وسیله نابودی تمدن بشری مفری برای ادامه حیات بیابد. ولی باید دست جنایتکار را از جنایات تازه بازداشت.

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

حساب بانکی ما:

NAMEH
MARDOM

No :25

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NOV. 22, 1984

Price

W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	-600 L.
USA	40cts